

نقش حوزه‌های علمیّه در گسترش ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی  
(بر اساس نظریه پخش)

محمد مهدی حاجیلویی محب<sup>۱</sup>، رقیه خلیلی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵

چکیده:

(زمینه پژوهش): انقلاب اسلامی ایران، بزرگ‌ترین اتفاق و تحوّل قرن اخیر بوده که به دلیل خاصیتگاه، نوع شکل-گیری و قوام؛ ارزش‌ها و آرمان‌های مخصوص به خود را داشته که اشاعه آن‌ها وظیفه همه نهادهای مرتبط با نظام اسلامی است. چنان که حوزه‌های علمیّه، از خاصیتگاه‌های انقلاب بوده و در این زمینه نقشی اساسی دارند. (روش و هدف): کاوش حاضر، با روشی توصیفی تحلیلی و با چارچوب نظریه پخش، به دنبال تبیین نقش حوزه‌های علمیّه در گسترش ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی است. (یافته‌ها): نظام ارتباطی سه‌گانه «حوزه‌های علمیّه؛ انقلاب اسلامی؛ ارزش‌ها» در قالب عوامل و انواع پخش، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و ضمن بررسی واژگان مرتبط، چهار شاخصه انقلاب اسلامی تبیین گردید: «استقلال و آزادی؛ مردمی بودن؛ فراگیری؛ دفاع از مستضعفان جهان». به دلیل خاصیتگاه انقلاب اسلامی و ارتباط عمیق حوزه‌های علمیّه و روحانیت با مردم، گسترش ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی، نیازمند استمرار نقش‌آفرینی حوزه‌های علمیّه است. (نتایج): کاوش‌ها نشان داد که تداوم نقش‌آفرینی، در گرو الزامات شناختی، رفتاری و ابزاری ویژه‌ای بوده و طرح‌ریزی در سه ساحت مواجهه حوزه با «خود، مردم و بیگانگان» ضروری است. در بُعد درونی حوزه، «آگاهی به مسائل روز، نوآوری و آینده‌نگری» و «تعلیم و تربیت طلاب اندیش‌مند و ولایت‌مدار» ضروری بوده و در ساحت بیرونی، «مردم‌گرایی»، «نقش‌آفرینی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی» و «پاسداشت شعائر اسلامی و انقلابی» و نیز، «استکبار ستیزی و نفی سلطه بیگانگان» مورد توجه قرار می-گیرد. (نوآوری): تبیین رابطه حوزه‌های علمیّه در زمینه گسترش ارزش‌های انقلاب اسلامی، با نگاهی آینده‌نگر و در قالب نظریه پخش، از نوآوری‌های پژوهش حاضر تلقی می‌گردد.

واژگان اصلی: انقلاب اسلامی، حوزه‌های علمیّه، ارزش‌ها، آرمان‌ها، نظریه پخش.

## ۱- طرح مسئله

حوزه‌های علمی ایران، از جمله مجموعه‌های مهم دینی و اجتماعی به شمار می‌روند که از جایگاهی تاثیرگذار برخوردارند. بافت مذهبی جامعه ایران و تنیدگی این حوزه‌ها در بسترهای اجتماعی، دامنه نفوذ و تاثیر آنان را گسترش داده است. این ارتباط، از مناسبات مذهبی فراتر رفته و ساحت‌های گوناگونی را در بر می‌گیرد. سال‌های طولانی حکمرانی شاهان و خوانین نالایق و نیز نابسامانی‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی، زمینه تحول در جامعه ایران را ایجاد کرده بود. نقش‌آفرینی حوزه‌های علمی در مخالفت با وضعیت موجود، تغییر وضع گذشته را سرعت بخشید. چنان‌که رابطه‌ی گسترده‌ای میان حوزه‌های علمی و پیدایی انقلاب اسلامی قابل تصور و فهم است. حرکت و جنبش طلاب و روحانیون به وسیله هدایت سیاسی و بصیرت‌آفرینی برای مردم، بخشی دیگر از زمینه‌های پیدایی انقلاب اسلامی بود.

## ۱-۱. بیان مسأله

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حوزه‌های علمی و روحانیون، در احیاء، ترویج و بازتولید شریعت اسلامی و ارزش‌های انقلابی، نقش‌آفرین بوده‌اند. اثربخشی این نهاد در گسترش فرهنگ انقلاب به اندازه‌ای آشکار است که شهید مطهری بیان می‌دارد: «کسانی که در آرزوی اعتلای آیین اسلام و بررسی علل ترقی و انحطاط مسلمین هستند، باید در مورد دستگاه رهبری آن، یعنی حوزه‌های علمی و روحانیون بیاندیشند» (مطهری، ۱۳۷۷: ۴۳۸). در همین زمینه، باید بیان داشت که تبیین اهداف و ارزش‌های انقلاب برای جهانیان، از ضرورت‌های مهم انقلاب اسلامی بوده که حوزه‌های علمی و علمای دینی در انجام این هدف متعالی، نقشی ویژه بر عهده دارند. صدور فرهنگ انقلاب اسلامی به سراسر جهان، از دست‌آوردهای ارزشمند انقلاب است. در همین زمینه، حوزه‌های علمی از جمله نهادهایی هستند که وظیفه‌ی حفاظت از انقلاب و صدور آن به جهان و از جمله، به کشورهای اسلامی را بر عهده دارند. پژوهش حاضر، با هدف کاوش پیرامون «نقش حوزه‌های علمی در گسترش ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی» سامان یافته است تا به این پرسش‌ها پاسخ دهد:

- ۱- چه تاثیراتی از سوی حوزه‌های علمی بر گسترش ارزش‌های انقلاب اسلامی، بر چارچوب نظریه پخش می‌توان در نظر گرفت؟

۲- گونه‌های پخش، در نسبت‌سنجی رابطه حوزه‌های علمیه و انقلاب اسلامی چگونه است؟

۳- شاخصه‌ها و عوامل پخش در انقلاب اسلامی و حوزه‌های علمیه، در نسبت‌سنجی دوسویه چیست؟

با هدف پاسخ‌گویی به پرسش‌های پیش‌گفته، در کنار بررسی واژگان مرتبط، با روش توصیفی تحلیلی و در قالب نظریه پخش، برخی شاخصه‌های اساسی حوزه‌های علمیه و انقلاب اسلامی ارائه گردیده و نقش حوزه‌ها در گسترش ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب، مورد کاوش قرار خواهد گرفت.

#### ۱-۲. پیشینه پژوهش

بررسی‌ها نشان داد که پژوهشی با موضوع مقاله حاضر صورت نپذیرفته، اما برخی از مقالات نزدیک یا مرتبط، بدین شرح است: «حوزه در انقلاب و انقلاب در حوزه‌ها»، اثر علی ذوعلم که به بررسی ابعاد تأثیرگذاری حوزه‌های علمیه در انقلاب اسلامی ایران و تأثیر انقلاب اسلامی در تحولات حوزه‌های علمیه پرداخته است. «نقش حوزه‌ی انقلابی در تمدن نوین اسلامی، با تأکید بر اندیشه‌ی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (زید‌عزه)» نوشته غلامرضا ضابط‌پور که نقش و آثار حوزه در تمدن نوین اسلامی را به تصویر کشیده است. «حوزه‌ی انقلابی و علوم انسانی (ضرورت‌ها و گام‌های تحوّل)» به قلم قاسم ترخان که در کنار توجه به ضرورت تحوّل در علوم انسانی، دست‌یابی به علوم انسانی مطلوب را به حوزه و حوزویان وابسته دانسته است. «مبانی نظری صدور انقلاب از منظر امام خمینی (رحمت‌الله علیه)» نوشته‌ی عباسعلی فرزندی اردکانی که به تبیین چرایی، اهمیت و ضرورت صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی (رحمت‌الله علیه) پرداخته است. «بررسی ابزارها و شیوه‌های صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران، با تأکید بر اندیشه‌های امام خمینی (رحمت‌الله علیه)» از عنایت‌الله یزدانی و دیگران، که در آن از ابزارها و شیوه‌های گوناگون برای صدور انقلاب سخن به میان آمده است.

پژوهش حاضر، علاوه بر تعریف واژه‌های حوزه‌ی علمیه، فرهنگ و انقلاب، به بررسی ویژگی‌های حوزه و انقلاب اسلامی پرداخته و ضرورت‌های مرتبط با حوزه در مسیر صدور انقلاب و شیوه گسترش فرهنگ انقلاب اسلامی توسط روحانیون و علمای دینی را در چارچوب نظریه پخش تبیین کرده است.

### ۳-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

تعمیق، گسترش و انتقال ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی، موضوعی مهم و قابل توجه است. دستیابی به این موضوع، ابزار و شیوه‌های متنوعی را می‌طلبد. واقعه‌ی انقلاب اسلامی ایران، به عنوان رخداد بزرگ قرن، در صدد حفظ و صدور آرمان‌ها و ارزش‌های خود می‌باشد. حوزه‌های علمیه از جمله نهادهایی هستند که عهده‌دار این امر مهم بوده و تمام تلاش خود را برای حفظ و صدور هر چه بهتر ارزش‌های انقلاب انجام می‌دهند. بدین روی، بازنمایی «نقش حوزه‌های علمیه در گسترش ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی» با استفاده از روش‌های علمی و پژوهشی و در قالب نظریه‌ای روشمند، اهمیتی دوچندان دارد.

### ۴-۱. چارچوب نظری

بررسی تاثیرگذاری حوزه‌های علمیه بر انقلاب اسلامی و گسترش ارزش‌ها و آرمان‌های آن، زمینه‌ساز شکل‌گیری پژوهش حاضر است. یکی از خاستگاه‌های اصلی و الهام‌بخش انقلاب اسلامی، حوزه‌های علمیه بوده؛ به همین جهت، اصل تاثیر حوزه‌های علمیه بر انقلاب و گسترش ارزش‌ها و آرمان‌های آن، جزء مواردی است که کمابیش مورد پذیرش می‌باشد. اما نظام‌مند کردن این مسأله و نگارش تحلیلی مناسب برای این موضوع، نیازمند به‌کار بردن چارچوبی نظری بوده تا نتایجی متقن و نظام‌مند به دست آید. در بین رهیافت‌ها و نظریات گوناگون، «نظریه پخش» می‌تواند با قالب‌بندی رابطه حوزه‌های علمیه و انقلاب بر مدار ارزش‌ها و آرمان، جستار پیش‌رو را در مسیری برای دستیابی به نتایج مشخص، هدایت کند. بدین روی، فرآیند تاثیرگذاری پیش‌گفته، در قالب این نظریه پی‌جویی خواهد شد. «نظریه پخش<sup>۱</sup> یا اشاعه»، یکی از نظریه‌های رایج در باب توضیح چگونگی انتشار پدیده‌ها و گسترش ایده‌ها و اندیشه‌هاست (حسینی و برزگر، ۱۳۹۲: ۱۷۳). استفاده از این نظریه، بدین دلیل است که توانایی تبیین و توضیح نوآوری‌های فکری یا فیزیکی را داشته و می‌تواند علت اشاعه، شیوه گسترش، مسیرهای و مجاری پخش آن و نیز، علل توقف، گسترش دوباره، پایداری برخی از امواج و زوال برخی دیگر را شرح دهد (برزگر، ۱۳۸۲: ۴۱). نظریه پخش توسط «تورستن هاگر استرن»<sup>۲</sup> سوئدی طرح گردیده است. این

<sup>۱</sup> Diffusion

<sup>۲</sup> Hager Strand

نظریه به تشریح چگونگی گسترش یک پدیده در طول زمان و در یک محدوده جغرافیایی می‌پردازد تا عوامل، دلایل و دیگر جزئیات انتشار یک موضوع را دریابد (حسینی و برزگر ۱۳۹۲: ۱۷۴). این نظریه دارای اصول و مؤلفه‌هایی است: «حوزه و محیط اولیه پدیده - زمان پخش - موضوع یا پدیده پخش - مبدأ پخش - مقصد پخش - مسیر حرکت» (حسینی و برزگر، ۱۳۹۲: ۱۷۴).

## ۲- یافته‌ها

### ۲-۱. معناشناسی انقلاب، ارزش‌ها و حوزه‌های علمیه

واژه‌ی انقلاب<sup>۱</sup>، در زبان لاتین از اصطلاحات علم اخترشناسی بوده که به معنای چرخش دورانی منظم و قانونمند افلاک و بازگشت ستارگان به جای اول، به کار می‌رفت (آرنت<sup>۲</sup>، ۱۳۶۱: ۳۶). این واژه در زبان عربی بر وزن «مصدر باب انفعال» آمده و از ریشه‌ی قلب، به معنای تغییر و تحوّل، دگرگونی و زیر و رو شدن است (معین، ۱۳۸۶: واژه انقلاب). فرهنگ دهخدا، معنای لغوی انقلاب را برگشتگی، تغییر، تبدیل، تحوّل و تغییر ماهیت می‌داند (دهخدا، ۱۳۷۷: واژه انقلاب). تعریفی دیگر از انقلاب چنین است: «انقلاب به آن پدیده‌ی اجتماعی گفته می‌شود که منجر به تغییر و تحوّل بنیادین و اساسی در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژیکی یک جامعه با مشارکت مردم و همراه با خشونت گردد» (هانتینگتون<sup>۳</sup>، ۱۳۷۰: ۳۸۵). شهید مطهری انقلاب را طغیان و عصیان که مردم برای ایجاد وضع و نظمی مطلوب علیه نظام حاکم موجود انجام می‌دهند، نامیده و نارضایتی و خشم از وضع موجود و آرمان یک وضع مطلوب را، از ریشه‌های انقلاب معرفی می‌کند (مطهری، ۱۳۷۷: ۱۳۹/۲۴). از دیدگاه شهید صدر؛ انقلاب، جنبشی سرسختانه است که با درک واقعیت‌های موجود و بر مبنای اصول مکتبی معین، با هدف تغییر و دگرگونی بنیادین در تمامی ابعاد زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی و معیارها، اصول و ارزش‌های حاکم صورت می‌گیرد (جمشیدی، ۱۳۷۷: ۱۲۰). انقلاب نوعی دگرگونی سریع، بنیادین و خشونت‌آمیز داخلی در ارزش‌ها و اسطوره‌های مسلط بر جامعه، نهادهای سیاسی، ساختار اجتماعی، رهبری، فعالیت‌های حکومتی و سیاست‌های آن می‌باشد (عیوضی،

<sup>1</sup> Revolution

<sup>2</sup> Hannah Arendt

<sup>3</sup> Samuel Huntington

۱۳۹۱: ۲۰).

در تعریفی جامع، می‌توان انقلاب را به معنای «دسته‌ای از پدیده‌های اجتماعی که منجر به تغییر و تحوّل بنیادین و اساسی در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژیکی جامعه، با مشارکت مردم همراه با خشونت صورت می‌گیرد»، دانست (آرنت<sup>۱</sup>، ۱۳۶۱: ۳۷).

آرمان‌ها و ارزش‌ها در دایره فرهنگ تعریف می‌گردند و بخشی از تغییرات در انقلاب‌ها نیز در فرهنگ روی می‌دهد؛ بدین روی، ارائه تعریفی از فرهنگ ضروری است. در کتاب مناسبات دین و فرهنگ در جامعه ایران، آمده است که واژه فرهنگ، از دو جزء «فر» و «هنگ» مشتق شده است. «فر» به معنای شکوه و عظمت و «هنگ» از ریشه تنگ اوستایی به معنای کشیدن، سنگینی و وقار می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۷: واژه فرهنگ). چنان که بیان شده: واژه مرکب "فرهنگ" به معنای بیرون کشیدن، بالا کشیدن و برکشیدن است (صاحبی، ۱۳۸۴: ۶۰/۱). کتاب لسان العرب، فرهنگ را واژه‌ای فارسی معرفی کرده که در عربی به معنای الثقافت می‌باشد. الثقافت یعنی بافرهنگ بودن، فرهنگ و علوم و معارف (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۲۳۴/۱). فرهنگ را به معنای زیرک بودن، حاذق بودن و زود یاد گرفتن آورده‌اند (قرشی، ۱۳۷۱: ۳۰۲/۱).

فرهنگ در اصطلاح و کاربرد، به معنای ادب، تربیت، دانش، معرفت، مجموعه قوانین، آداب و رسوم (معین، ۱۳۸۶: ذیل واژه فرهنگ)، باورها، هنرها و دیگر عادات و توانایی‌هایی است که انسان به عنوان عضو جامعه آن را دار بوده (کوزر<sup>۲</sup> و روزنبرگ<sup>۳</sup>، ۱۳۹۳: ۴۴) و سنت‌های مخصوص یک جامعه و تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش، مکتب و ایدئولوژی است (صاحبی، ۱۳۸۴: ۶۰/۱). فرهنگ همان کیفیت یا شیوه‌ی بایسته و یا شایسته، برای فعالیت‌های حیات مادی و معنوی انسان‌هاست که مستند به شیوه و شکل تعقل سلیم و احساسات تصعید شده‌ی آن‌ها در حیات تکاملی باشد (معین، ۱۳۸۶: ذیل واژه فرهنگ).

در اروپا و تا نیمه دوم قرن هیجدهم، اصطلاح امروزی فرهنگ<sup>۴</sup> متداول نبود و بیشتر این واژه، در کنار تمدن<sup>۵</sup> به کار رفته است. فرهنگ نمایش‌گر رفتارها و باورهای والا و جا افتاده‌ی جامعه است

<sup>۱</sup> Hannah Arendt

<sup>۲</sup> Lewis A. Coser

<sup>۳</sup> Bernard Rosenberg

<sup>۴</sup> Culture

<sup>۵</sup> Civilization

و شامل آدابی است که الگو و اسوهی اعمال افراد در جمع است و روح هر جامعه‌ای را باز می‌نماید (کاظمی و شریف‌زاده، ۱۳۷۸: ۳۵). شیوه انتخاب شده برای کیفیت زندگی که با گذشت زمان و مساعدت عوامل محیط طبیعی و پدیده‌های روانی و رویدادهای نافذ در حیات یک جامعه به وجود می‌آید، فرهنگ نام دارد (جعفری تبریزی، ۱۳۹۸: ۱۶/۲۳۳).

با در نظر گرفتن تعاریف پیش‌گفته، مقصود از فرهنگ در کاوش حاضر، مولفه‌های پذیرفته شده در جامعه بوده که علاوه بر فرهنگ مادی و معنوی، مواردی مانند آداب، رسوم، عقیده، فکر، علایق و ... را در بر می‌گیرد.

معنای حوزه در لغت، ناحیه، مجتمع و مکان ثقل است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۱۷/۲) و حوزه الاسلام به معنای حدود و ثغور و نواحی اسلامی است. واژه‌ی حوزه یا حوزه‌های علمیه، اصطلاحی رایج در جهان، به ویژه در نزد شیعیان بوده و به معنای مرکز تحصیل علوم دینی می‌باشد (طارمی‌راد، ۱۳۸۹: ۱۴/۳۴۶). حوزه‌ی علمیه مانند دانشگاهی است که طلاب در آن، برای آموزش و فراگیری علوم دینی و قدیمه، با در اختیار داشتن گنجینه‌ی به یادگار مانده از خاندان نبوت و عترت، گرد هم می‌آیند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۶۵: ۶/۵۴۹).

شیعیان، به مراکز آموزشی علوم دینی، حوزه‌ی علمیه می‌گویند. این مراکز از قرون ابتدایی اسلام ایجاد گردیده و دارای کارکردهای آموزشی و تربیتی است که بیشتر در مکان‌هایی مانند مدرسه و مسجد، دروس مربوط به اسلام تدریس می‌شود. نام افرادی که در این مراکز به تحصیل مشغولند، طلبه است که برخی از آنان بعد از طی مراحل تحصیلی، لباس روحانیت بر تن می‌کنند. از مهم‌ترین دروس حوزه، فقه و اصول است و در کنار امر آموزش، به تربیت اخلاقی طلاب هم پرداخته می‌شود. برخی آیه‌ی ۳۹ سوره‌ی احزاب «الَّذِينَ يَبُلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَكَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ»؛ کسانی که پیام‌های خدا را ابلاغ می‌کنند و از او می‌ترسند و از هیچ کس جز خدا بیم ندارند، را مبنای تشکیل حوزه‌های علمیه می‌دانند. شیخ، آخوند، ثقة‌الاسلام، حجت‌الاسلام، حجت‌الاسلام و المسلمین، آیت‌الله، آیت‌الله العظمی از جمله القابی است که به افرادی که در حوزه تحصیل و تدریس می‌کنند، گفته می‌شود (ابادری، ۱۳۸۹: ۲۵).

## ۲-۲. تاثیر حوزه‌های علمیه بر گسترش ارزش‌های انقلاب اسلامی، بر پایه نظریه پخش

بررسی مولفه‌های مرتبط با انقلاب اسلامی ایران نشان از این دارد که این انقلاب دارای تفاوت-

هایی با دیگر تغییرات اجتماعی و سیاسی در دنیاست. یکی از این مساله‌ها، خاستگاه و منشأ اثرپذیری است. ریشه‌های دینی و ایدئولوژیک انقلاب، ریشه در آموزه‌های دینی و حوزه‌های علمیه داشته و این ارتباط و تاثیرپذیری، از تداوم برخوردار است. بررسی این بازتاب و دگردیسی مستمر، در قالب نظریه پخش، ساحت‌های گوناگون موضوع را روشن تر می‌نماید.

## ۲-۲-۱. حوزه یا محیط پخش

در نظریه پخش، دو حوزه قابل بحث است: «هم‌گرا و پذیرا» یا «واگرا و ناپذیرا». با این نگاه، فضای عمومی جامعه ایران را می‌توان حوزه‌ای هم‌گرا نسبت به ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی نامید. این حوزه همه اجزای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ... را در بر می‌گیرد.

## ۲-۲-۲. زمان پخش

زمان پخش می‌تواند متوالی یا متمایز باشد. باید بیان داشت با این که پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ صورت پذیرفته، اما تاثیر حوزه‌های علمیه بر انقلاب، فراتر از زمان پیش‌گفته بوده و این بازتاب بر پیدایی، شکل‌گیری و تداوم انقلاب موضوعی پذیرفته شده است. به همین دلیل، زمان پخش، محدوده‌ای بیش از عمر انقلاب داشته و زمان پخش، به دو دوره پیش و پس از انقلاب تقسیم می‌شود. هر چند ممکن است برای آن، فراز و نشیب‌هایی را بسته به شرایط گوناگون، در نظر گرفت. چنان که دوران پیش از انقلاب، با حضور روحانیون در صف نخست مبارزات و تلاش‌ها همراه شده و همین موضوع، حوزه‌های علمیه را به مرکزی برای مبارزات با طاغوت تبدیل کرده بود. این موضوع در کنار مرکزیت مساجد برای مبارزه با طاغوت، نمود کامل‌تری می‌یافت. پس از انقلاب نیز، تاثیر و بازتاب حوزه‌های علمیه بر انقلاب و ارزش‌های آن تداوم یافت. حضور روحانیون در جبهه‌های جنگ و هم‌نوایی با مردم در عرصه‌های گوناگون انقلاب، پیوند حوزه‌ها و انقلاب را به یکدیگر بیشتر کرد. پیداست که بازتاب حوزه‌های علمیه بر انقلاب در همه زمان‌ها یکسان و یکنواخت نبوده و بر اساس عوامل و شرایطی از شدت و ضعف برخوردار است.



### ۲-۲-۳. موضوع پخش

موضوع پخش، پدیده، مسأله یا رویدادی است که از مبدأ به مقصد سرایت می‌کند. انقلاب‌های دنیا بر پایه مبانی و برای دستیابی به اهدافی شکل می‌گیرند. این مبانی و اهداف، در ارزش‌ها و آرمان‌ها ریشه داشته، چنان‌که، ارزش‌های انقلاب اسلامی در آموزه‌های دینی ریشه دارد. بدین روی، موضوع پخش، رفتارها، هنجارها، اعتقادات، تفکرات، شعائر مذهبی و سبک زندگی است که از حوزه‌های علمیه در سطح جامعه ایرانی گسترش می‌یابد.

### ۲-۲-۴. مبدا پخش

حوزه‌های علمیه شیعی در عمق تاریخ ریشه داشته و در طول صدها سال به تربیت دانش‌مندان، فقهاء، عرفای فراوانی همّت گماشته‌اند. بررسی تاریخ پس از اسلام در ایران، نشان می‌دهد که بسیاری از تحولات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... از حوزه‌های علمیه و روحانیون آغاز شده است. چنان‌که تداوم و رشد آن‌ها نیز در پرتو تاثیرپذیری از حوزه‌های علمیه بوده است. پیرامون رابطه حوزه‌های علمیه و انقلاب اسلامی ایران نیز، همین موضوع صادق است. حوزه‌های علمیه کانون تراوش ارزش‌ها و اندیشه‌های ناب اسلامی، برای انقلاب اسلامی بوده‌اند. توجه به این نکته ضروری است که تداوم مرجعیت، مبدأیت و الهام‌بخشی حوزه‌های علمیه در گرو عملکرد صحیح، نو شوندگی، نوآوری فکری، تولید مستمر اندیشه، پابندی به ارزش‌ها و آرمان‌ها و توجه ویژه به نسل نو است.

### ۲-۲-۵. مقصد پخش

مقصد پخش که قرار است محتوای تولید شده از حوزه‌های علمیه به آن برسد، جامعه ایرانی، مجموعه مسائل مرتبط با انقلاب اسلامی و اتمسفری است که این انقلاب ایجاد کرده و دیگران در آن تنفس فکری می‌کنند. با این نگاه، انقلاب هویتی مستقل بوده که باید‌ها و نبایدهای گوناگونی را به دنبال دارد. در صورتی که ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب به درستی شکل گرفته، رشد یافته و پویا شود، می‌تواند زمینه رشد ملت‌های دیگر را فراهم آورد. چنین مقصدی با مبدا خود، هم‌گرا و متجانس است. باورهای عمیق مذهبی مردم و قداستی که برای حوزه‌های علمیه قائل هستند، همگی مقصد مساعدی را فراهم می‌آورد.

## ۲-۲-۶. مسیر، مجاری و ابزار پخش

مسیرهای پخش، مجاری سرایت یک تفکر هستند. وجود این مجاری، پخش را میسر کرده و گرنه، بحث پیرامون بازتاب دو مجموعه بر یکدیگر بی معناست. افراد، ابزار و فرآیندها، همگی در این موضوع نقش ایفا می‌کنند. حوزه‌های علمیه در طول تاریخ در بسترهای اجتماعی شکل گرفته است. چنان که بقاء و تداوم آن نیز، همواره وابسته به مردم بوده و از دولت‌ها و حکومت‌ها مستقل است. به همین دلیل، مسیر پخش دارای دو مسیر حکومتی و مردمی است. گره خوردن انقلاب با مردم از یک سو و حوزه‌های علمیه و مردم از سوی دیگر، بدین دلیل است که مردم، حد وسط و حلقه ارتباط این دو بوده و فرآیندی غیر رسمی و غیر حاکمیتی را ترسیم می‌کند. مسیر، مجاری و ابزار پخش، در موضوع حاضر در فضای «انواع پخش» قابل توضیح است. در این عرصه، افراد، کتاب‌ها، نرم افزارها، مراسم‌ها، مساجد، زیارت‌گاه‌ها و ... مجاری پخش هستند.

## ۲-۲-۷. آسیب‌شناسی و موانع پخش

منظور از موانع پخش، آن دسته از عواملی هستند که مانع از سرایت یک پدیده از مبدأ به مقصد پخش می‌شوند و یا این که سرایت آن پدیده را با مشکل مواجه می‌سازند (حسینی و برزگر، ۱۳۹۲: ۱۷۳). تبلیغات سوء دشمنان علیه حوزه‌های علمیه و گاه، برخی ضعف‌ها مانعی جدی برای گسترش این تاثیر است.

## ۲-۲-۸. انواع پخش در نسبت‌سنجی رابطه حوزه‌های علمیه و انقلاب اسلامی

پخش دارای انواع و تعاریف مشخصی بوده (برزگر، ۱۳۸۲: ۴۶-۴۱) که هر یک از آن‌ها، نسبتی معین با مسأله پژوهش حاضر هستند.

### ۱. پخش فضائی<sup>۱</sup>: پخش فضائی مفهومی مرتبط با نظریه پخش بوده و عبارت از فرآیندی

است که طی آن، نگرش و رفتار مردم تغییر می‌کند. به دیگر سخن، عبارت است از گسترش یک پدیده از کانون یا کانون‌های اصلی در بین مردم که آماده پذیرش آن پدیده باشند و این گسترش در طول زمان انجام می‌پذیرد (محمود اوغلی، ۱۳۹۵: ۴۸). پخش فضائی در بین مردمی اتفاق می‌افتد که آمادگی پذیرش داشته باشند. این موضوع

<sup>۱</sup> Spatial diffusion

به وضوح در بین مردم قبل و بعد از انقلاب که خواهان ارزش‌های اسلامی بودند، مشهود است. چنان که تغییر فکری و رفتاری مردم پس از انقلاب، اثبات‌گر این موضوع است.

**۲. پخش جابجایی<sup>۱</sup>:** این نوع از پخش، زمانی روی می‌دهد که گروهی از افراد از مکانی به مکان دیگر تردد کنند. اعزام مبلغین حوزوی به مناطق مختلف کشور و روستاهای دور افتاده، حضور روحانیون در مساجد، حضور دانش‌آموختگان حوزوی در دستگاه‌ها و مراکز آموزشی، اداری و نظامی مظهر تأییدی بر این نوع از پخش و تاثیر گذاری است.

**۳. پخش سلسله‌مراتبی<sup>۲</sup> و پیشاهنگ:** در این نوع از پخش، تفکرات، رفتارها و تاثیرات، بر پایه سلسله‌مراتب و به وسیله توالی منظم دسته‌ها و طبقه‌ها انتقال می‌یابد. این ریزش و تأثیر از طبقه فراتر شروع می‌گردد. از آنجا که روحانیون در بین مردم زیست کرده و خود را هم‌سطح با مردم می‌دانند و حوزه‌های علمیه هم‌راه با مردم هستند؛ این نوع از پخش به معنا خاص خود، در این پژوهش وجود ندارد. اما از این زاویه نگاه که حوزه‌های علمیه خاستگاه علم و فرهنگ و پاک‌زیستی هستند، می‌توانند مرجعی برای تغییر رفتارها به سوی ارزش‌ها و آرمان‌های الهی باشد. در واقع، این پخش در صورتی اتفاق می‌افتد که توده‌های مردم، حوزه‌های علمیه را به عنوان الگوی خود بپذیرند و حوزه‌ها نیز به پاسداشت شأن و قداست خود همت گمارند. گفته می‌شود، این نوع از پخش، دارای بیشتر قدرت سرایت و اشاعه است.

**۴. پخش سرایتی یا واگیردار<sup>۳</sup>:** این نوع از پخش، در برابر پخش سلسله‌مراتبی است. در این نوع، رفتارها، ارزش‌ها، تفکرات و... به صورت عمومی گسترش یافته و تثبیت می‌شوند. تماس مستقیم با افراد و مجاورت، بیشترین تاثیر را در این زمینه دارد. وجود فضای فیزیکی حوزه‌های علمیه در بین فضای زندگی روزمره مردم، حضور طلاب در میان مردم، امامان

<sup>1</sup> Relocation diffusion

<sup>2</sup> Hierarchic diffusion

<sup>3</sup> Contagious diffusion

جماعت و جمعه و مبلغین، بیشترین نقش را در این نوع از پخش دارند.

### ۲-۳. شاخصه‌ها و عوامل پخش در انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی از مهم‌ترین و شگفت‌انگیزترین وقایع تاریخ معاصر ایران است که در تغییر مناسبات سیاسی جهان نقش ویژه‌ای دارد. این انقلاب، متمایز از سایر انقلاب‌ها بوده و در پیدایش، کیفیت مبارزه و انگیزه‌ی انقلاب با آن‌ها تفاوت اساسی داشته است (موسوی خمینی، ۱۳۶۹: ۷). «استقلال، آزادی، مردم‌سالاری، مردمی بودن، جهان‌شمولی، فراگیری و دفاع از مظلومان و مستضعفان»، از شاخصه‌های انقلاب اسلامی است. این شاخصه‌ها با آموزه‌های دینی و فضای گفتمانی حاکم بر حوزه‌ها علمیه، تناسب داشته؛ در نتیجه، تجانس و هم‌گرایی این دو در فرآیند بازتاب‌پذیری انقلاب اسلامی از حوزه‌های علمیه را فراهم می‌آورد.

#### ۲-۳-۱. استقلال و آزادی

از ویژگی‌های درخشان انقلاب اسلامی، استقلال و آزادی بوده که موجب تغییر رژیم پهلوی، رهایی کشور از وابستگی به قدرت‌های سلطه‌گر و رشد و پیشرفت ایرانیان گردید. انقلاب اسلامی در امتداد نهضت‌های عدالت‌خواه و استقلال طلبانه‌ای هم‌چون: نهضت تنباکو، مشروطیت و ملی شدن صنعت نفت بوده و با شعارهایی مانند «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» و «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۳/۳۲۲)، به سرانجام رسید. شعار آزادی در میان شعارهای سیاسی دیگر، به دلیل شرایط خفقان و اختناق که رژیم مستبد شاهنشاهی برای مردم ایجاد کرده و حقوقشان را پایمال می‌کرد (فارسون و مشایخی، ۱۳۸۷: ۲۱)، از اهمیت خاصی برخوردار بوده و بیشترین میزان فراوانی در میان شعارها را به خود اختصاص داده بود (پناهی، ۱۳۷۹: ۷۸). این موضوع با آزادگی متون دینی و آزادی خواهی حوزه‌های علمیه تناسب جدی دارد.

#### ۲-۳-۲. مردمی بودن و مردم‌سالاری

حضور مردمی و توده‌ای در انقلاب، از جمله ممیزات انقلاب اسلامی است که سبب شگفتی و حیرت بیشتر تحلیل‌گران و پژوهش‌گران تحولات اجتماعی گشته است. حضور وسیع توده‌های

مردم از اقشار گوناگون، به مانند: بازاری، روحانیون، دانشجویان و ... در روند انقلاب اسلامی ایران که در سایر انقلاب‌های بزرگ، مانند فرانسه و روسیه سابقه نداشته، از عوامل شکل‌گیری و پیروزی انقلاب بود (محمدی، ۱۳۷۴: ۱۱۹-۱۰۹). مقام معظم رهبری در بیانات خود، بر بی‌سابقه بودن نقش آفرینی مردم در مبارزه علیه رژیم پهلوی تأکید کرده و بیان می‌دارد که تفاوت اساسی انقلاب‌های چپ و مارکسیستی آمریکای لاتین و آفریقا و آسیا و نقاط دیگر، با انقلاب اسلامی، در این است که انقلاب ما به وسیله‌ی یک گروه ویژه‌ی پارتیزانی به پیروزی نرسید (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۳/۱۱/۱۴). حتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نقش مردم خاتمه نیافته و نظام سیاسی کشور به وسیله‌ی رفراندوم مردم تعیین گردیده (بیانات در اجتماع مردم کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۰) و مشارکت بیش از ۹۸ درصدی مردم در رأی به جمهوری اسلامی، تأییدی بر ویژگی مردمی بودن انقلاب اسلامی در ایران است. اهمیت به نقش مردم در سرنوشت خویش، همواره مورد تأیید و تأکید اسلام بوده است.

### ۲-۳-۳. جهان شمولی و فراگیری

فراگیری و جهان‌شمولی انقلاب ایران از جهت جغرافیایی نسبت به سایر انقلاب‌ها، از ویژگی‌های بارز آن به شمار می‌رود. انقلاب اسلامی ایران جنبه‌ی برون‌افکنی داشته که هم جنبه‌های داخلی را تحت تأثیر قرار داد و هم، در آن سوی مرزها، تبعات فراوانی بر جای نهاده و به ارائه‌ی طرح برای همه‌ی جهانیان پرداخته است (یزدانی و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۵۳). این انقلاب سبب بیداری مسلمانان و گسترش فعالیت‌های مؤثر اسلامی در جوامع گوناگون شده، چنان‌که حوزه‌ها علمیه، خود را در برابر هدایت همه انسان‌ها جهان مسئول می‌دانند.

### ۲-۳-۴. دفاع از مظلومان و مستضعفان جهان

دیگر از ویژگی‌های انقلاب اسلامی، دفاع از مظلومان و مستضعفان جهان در مقابل مستکبران و زورگویان و محرومیت‌زدایی است. این مهم، به تأسی از مکتب عاشورا و پیروی از سیره اهل بیت (علیهم السلام) و پیشوایان گران‌قدر اسلامی، تا برقراری حکومت عدالت‌گستر حضرت مهدی (عجل الله فرجه) ادامه دارد. انقلاب اسلامی ایران از مصادیق بزرگ نهضت‌های مستضعفان بوده و امام خمینی (قدس سره) بارها بر این موضوع تأکید کرده و اظهار داشتند که، پیروزی انقلاب اسلامی ایران،

مرهون ایثار و فداکاری و جهاد همین طبقات محروم و شریف است (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۱۲/ ۹۱۰؛ همان: ۶۴۲/۷). حمایت و دفاع از مظلومان و مستضعفان جهان به اندازه‌ای اهمیت دارد که خدا در آیات قرآن، پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و مسلمانان را در مورد آنان مورد خطاب قرار داده و فرموده‌اند: «وَمَا لَكُمْ لَأَتَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ...؛ چرا در راه خدا و برای نجات مستضعفان از مرد و زن جنگ نمی‌کنید؟...» (نساء/۷۵) در مقدمه‌ی قانون اساسی، انقلاب اسلامی به عنوان الگویی برای پیروزی همه‌ی مستضعفان بر مستکبران معرفی شده و سخن از امت واحد جهانی و نجات ملت‌های محروم و ستم‌دیده به میان آمده است. در اصول ۱۶ و ۱۵۲ و ۱۵۳ نیز بر حمایت و پشتیبانی از مستضعفان و مظلومان جهان، در برابر مستکبران و نیز تعهد برادری نسبت به همه‌ی مسلمانان تأکید شده است. انقلاب اسلامی ایران، مدافع حقوق مردم مظلوم بوده و از حقوق تمامی محرومان و مستضعفان دفاع می‌کند. همین موضوع یکی از مهم‌ترین نقاط هم‌گرایی و تجانس انقلاب اسلامی و حوزه‌های علمیه است.

#### ۲-۴. شاخصه‌ها و عوامل پخش در حوزه‌های علمیه، نسبت به انقلاب اسلامی

همواره و در طول تاریخ، حوزه‌های علمیه از جایگاهی والا در جامعه‌ی دینی ایران برخوردار بوده‌اند. به مصداق آیه‌ی «الْم تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ؛ (ای رسول) آیا ندیدی که چگونه خدا کلمه‌ی پاکیزه را به درخت پاک و زیبایی مثل زده که اصل ساقه‌ی آن برقرار باشد و شاخه‌ی آن به آسمان (رفعت و سعادت) بر شود؟» (ابراهیم/۲۴)، حوزه‌ها، طلاب و جویندگانه معارف الهی، به‌سان درختی ثابت و ریشه‌دارند که در طول زمان، آثار ارزشمندی را از خود به یادگار گذاشته‌اند. حوزه‌های علمیه در کنار تقویت باورهای دینی مردم، به تبیین و حراست از دین پرداخته و به تربیت طلاب و فضلالی برجسته همت گماشتند (بیانات مقام معظم رهبری در ابتدای درس خارج فقه، ۱۳۷۰/۶/۳۱). حوزه‌های علمیه به عنوان قاعده و قوام اصلی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی هستند. این قاعده باید محکم بوده و استحکام آن، در گرو سه عنصر فقاقت، تهذیب و اخلاق و آگاهی‌های سیاسی است. حضور روحانیون و فعال بودن آنان، از شروط لازم برای تداوم و بقای انقلاب اسلامی است (بیانات در دیدار جمع کثیری از علماء و طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی قم و مدارس علمیه‌ی

تهران، ۱۳۶۸/۱/۲) آینده‌نگری، آموزش طلابی آگاه به مسائل روز، از ضرورت‌های اساسی حوزه‌های علمیه در مسیر پشتیبانی از انقلاب و نقش آفرینی در زمینه گسترش ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی است. بزرگ‌ترین تحوّل قرن اخیر که جلوه‌ای از تمدن اسلامی و مبتنی بر ارزش‌های اصیل و ناب اسلامی است، انقلاب اسلامی می‌باشد. گسترش ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی در سطح بین‌المللی، اهمیتی فراوان داشته و احیای ارزش‌های انسان را به دنبال دارد. از دیدگاه امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)، تداوم انقلاب و کارآمدی و تحقق اهداف آن، وابسته به صدور انقلاب بوده و غافل شدن از این امر مهم و محصور کردن انقلاب در مرزهای انقلاب، شکست انقلاب را قطعی خواهد کرد (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۲۰۲/۱۲). از این رو لازم است تمامی نهادهای دورنی نظام، با توجه به ظرفیت‌ها و امکانات خود، در گسترش فرهنگ اسلامی تلاشی بایسته داشته باشند.

#### ۲-۴-۱. آگاهی به مسائل روز، نوآوری و آینده‌نگری

آگاهی نسبت به زمان و مسائل آن، از شاخصه‌های اصیل حوزه انقلابی است که دارای جایگاهی والا در راستای نقش آفرینی حوزه‌های علمیه برای گسترش ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی است. امام صادق (علیه السلام) در حدیثی بر این شاخصه‌ی حوزه‌ها تأکید کرده و فرموده‌اند: «العالمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ الْوَابِسُ؛ عالمی که زمانه‌ی خود را بشناسد، شبهات بر وی هجوم نمی‌آورند» (کلینی، ۱۳۷۷: ۲۶/۱). بدین روی، لازم است که روحانیون همواره نسبت به مسائل روز احاطه‌ی کافی داشته و در برابر حوادث مختلف، مهیای عکس‌العمل مناسب باشند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۲۱، ۲۸۹-۲۹۲).

بصیرت‌دهی و آگاهی بخشیدن به جامعه، از رسالت‌های سنگین مراجع تقلید، روحانیون پارسا و مجتهدان صالح است که تنها، با مسلح بودن نسبت به مسائل روز و بهره‌گیری از موقعیت‌های مناسب میسر است. اگر فردی فقیه گردد، اما نسبت به مسائل روز بی‌اطلاع بوده و بینش صحیح و قدرت تصمیم‌گیری در امور اجتماعی و سیاسی را نداشته باشد، محال است بتواند برای جامعه و انقلاب اسلامی مفید باشد (سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۴/۲۰) چنان‌که از شئون یک روحانی، سیاست، فهم سیاسی و جهت‌شناسی سیاسی است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۵: ۲۰۷). آنان در ایجاد و استقرار انقلاب، نقش اساسی داشتند و با آگاهی از مسائل روز، در مسیر صدور

آن نیز مسئول هستند.

یکی از اصول اساسی که در دستورات دین وجود داشته و از ضرورت‌های حوزه برای تبلیغ دین و انقلاب، آینده‌نگری است. در یک نگاه عمیق‌تر و آخرت‌نگر، پیرامون ضرورت آینده‌نگری آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ؛ ای مؤمنان! از خدا پروا دارید، و هرکسی از شما بنگرد که برای فردا چه چیزی از پیش فرستاده است؛ تقوا پیشه سازید، که خدا به آنچه می‌کنید دانا است» (حشر/۱۸). معرفی و تبیین معارف اسلام و انقلاب در گرو آینده‌نگری، وسعت دادن به افق دید و توجه به نیازهای امروز و آینده‌ی بشریت است. یکی از رموز موفقیت انسان‌های مؤمن، آینده‌نگریست که حضرت علی (علیه السلام) در حدیثی می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُونَ هُمُ الَّذِينَ عَرَفُوا مَا آمَأَهُمْ؛ مؤمنان همان کسانی‌اند که دانستند چه در پیش دارند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵/۷۸). مقام معظم رهبری بر ضرورت آینده‌نگری در حوزه‌ها تأکید داشته و می‌فرماید: «ارکان حوزه از قبیل مدیران، اساتید و صاحب‌نظران، برای اثرگذاری بیشتر و تسخیر دل‌ها و سرزمین‌ها، لازم است آینده‌نگری داشته باشند (سخنان رهبر انقلاب در دیدار جمعی از اساتید، فضلا، مبلغان و پژوهشگران حوزه‌های علمیه کشور، ۱۳۸۶/۹/۸). آینده-نگری از مهم‌ترین ویژگی‌های یک رهبر است (همان، دیدار با فضلالی حوزه، ۱۳۸۶) که با مأموریت محوری و احساس مسئولیت محقق می‌شود. آینده‌نگری نوعی ویژگی فرهنگی است که تنها به صرف تصمیم‌گیری یک فرد و به سادگی محقق نشده و احتیاج به مرور زمان دارد (سخنرانی در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب قم، ۱۳۶۸/۹/۷).

## ۲-۴-۲. تعلیم و تربیت طلاب اندیش‌مند، ولایت‌مدار و مهدوی

از دیرباز تا کنون، حوزه‌های علمیه مهد تربیت و تعلیم بوده است. توجه هم‌زمان به پرورش و آموزش و توجه جدی به تهذیب نفس و خودسازی معنوی، از شاخصه‌های حوزه‌های علمیه بوده است. آموزش عمیق، ریشه‌دار و روشمند و نهادینه شدن علم در جان طلبه، همواره دغدغه اساتید و زعمای بزرگ حوزه بوده است. بدین روی، لازمه ادامه تأثیرگذاری و راهبری حوزه‌های علمیه نسبت به انقلاب اسلامی، پیروی از همین روش سلف صالح می‌باشد تربیت طلاب ولایت‌مدار و انقلابی، امری مهم و از وظایف حوزه‌های علمیه است. ولایت‌مداری به معنای التزام عملی و پایبند بودن به ولایت، از ملاک‌ها و ویژگی‌های اصلی حوزه‌های علمیه در حفظ و



حراست از انقلاب می‌باشد. در جریان پیدایش، پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی، مراجع عظام و علماء در حرکت‌های انقلابی مردم، با پیروی از رهبری امام خمینی (رحمت‌الله علیه)، نقش ارزنده‌ای را بر عهده داشتند. تداوم این موضوع و نقش‌آفرینی حوزه را در گسترش آرمان‌های انقلاب، در گرو تربیت روحانیونی ولایت‌مدار، انقلابی و مهدی‌باور است.

تربیت طلاب منتظر و بسترسازی برای ظهور امام زمان (عجل‌الله فرجه)، از رسالت‌های اصلی و کلان حوزه‌های علمیه بوده که در بستر آموزش، تهذیب و تبلیغ قابل دست‌یابی است. این موضوع سازگار با نقش حوزه‌های علمیه در زمینه گسترش ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی است. حوزه‌های علمیه با بهره‌گیری از آموزش و تهذیب، می‌توانند در راستای تربیت طلابی منتظر، آگاه و متعهد گام بردارسته تا در آینده، مبلغین اسلام و انقلاب باشند. با تربیت چنین طلابی، زمینه گفتمان‌سازی تمدنی انقلاب اسلامی در دنیا فراهم می‌گردد. زیرا مقدمه و زمینه‌ی گسترش ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی، با فراهم آوردن گفتمان‌سازی صورت می‌گیرد. این موضوع ماهیت دینی داشته، با گفتمان سکولار متعارض بوده و از اندیشه‌های ناب اهل بیت (علیهم السلام) سرچشمه گرفته است. حوزه‌های علمیه با فراهم آوردن زمینه‌های فکری، فرهنگی و شناختی، مسیر اجرای موفق سیاست‌ها را باز کرده و موجبات فرهنگ‌سازی بر اساس ارزش‌های انقلاب اسلامی را فراهم می‌آورند (سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵).

## ۲-۴-۳. مردم‌گرایی

هم‌دردی با رنج توده‌های مردم، زیست هم‌پایه با آنان و همراه با خوشی و ناخوشی انسان‌ها، از دیگر شاخصه‌های حوزه و روحانیت است. حوزه و روحانیت در کشور ما، مرتبط و پیوسته با مردم بوده و از اصیل‌ترین قشرهای مردم در بافت اجتماعی محسوب می‌شود. مطالعات تاریخی گواهی آشکار بر آمیختگی زندگی مردم و روحانیت است که آثار و برکات فراوانی، مانند: حس کردن درد انسان‌ها، جلب اعتماد و اطمینان مردم و برطرف کردن نیازهای مادی و روحی آنان را در پی داشته است (بیانات مقام معظم رهبری در جمع طلاب علوم دینی، در مدرسه‌ی فیضیه، ۱۳۶۶/۹/۱۱). مردمی بودن روحانیون از خصلت‌های فراگیری است که سبب ایجاد پیوند میان ملت و روحانیت و هم‌یاری میان آنان در شرایط بحران می‌شود. روحانیون در نهضت‌های گوناگون، درد مردم را دریافت کرده و در سختی و جهاد پیش‌گام آنان بودند. مردم هم در هنگام

گرفتاری روحانیون به میدان آمده و جان خود را در راه آرمان‌های این انقلاب، در معرض خطر قرار دادند (دفتر مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷: ۲۶۳/۳). مردمی بودن و پا به پای مردم حرکت کردن، از خصوصیات است که سبب پیروزی انقلاب اسلامی گردید. (بیانات رهبری در دیدار با روحانیون و طلاب عازم به جبهه، ۱۳۶۶/۸/۲۶). این موضوع موجب اثرگذاری بیشتر بر انقلاب اسلامی می‌گردد.

#### ۲-۴-۴. نقش آفرینی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی

مرجعیت دینی و حوزه‌های علمیه از مؤثرترین عوامل شکل‌گیری انقلاب اسلامی بودند که پس از پیروزی انقلاب اسلامی هم، نقشی ارزنده در زمینه ریشه‌دار کردن ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب و تکامل و گسترش فرهنگ انقلاب اسلامی، بیرون از مرزهای جغرافیایی خارج از کشور بر عهده گرفته‌اند. چنان که از حوزه‌های علمیه، روحانیون و مراجع دینی انتظار می‌رود که به راهنمایی و ارائه خط‌مشی‌های منطبق بر موازین و ارزش‌های اسلامی و انقلابی همت گماشته و راه‌بردها و راه‌کارهای کلان دینی را به تشنگان معارف اسلامی و انقلابی ارائه دهند. امروزه حوزه‌های علمیه تبدیل به مرجعیت جامع و کلان ملی و بین‌المللی گشته و پاسخ و ارائه‌ی راه‌کار برای مهم‌ترین مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، از حوزه‌های علمیه مطالبه می‌گردد. این موضوع، فرصتی را برای حوزه‌های علمیه در جهت گسترش فرهنگ انقلاب اسلامی فراهم آورده است که برای تحقق آن لازم است همواره نبض تفکر و نیاز آینده‌ی جامعه را در دست داشته و چند گام جلوتر از حوادث، برای ارائه‌ی عکس‌العمل مناسب آماده باشند (موسوی خمینی، ۱۳۷۶: ۱۸). آینده‌نگری و مدیریت تحول مرجعیت دینی در مسیر صحیح، مهم‌ترین نیاز حوزه‌هاست و دوری از تحول، منجر به منزوی شدن آنان می‌شود (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۶: ۱۹-۱۷). حوزه‌های علمیه، دفاتر مراجع و علما در داخل و خارج کشور، وجودی اثربخش و میراث‌گران‌بها از تجربه‌ها، روش‌ها و اندوخته‌های علمی است که می‌توان از آن‌ها در مسیر گسترش فرهنگ انقلاب اسلامی بهره برد. این مجموعه‌ها محل رجوع مؤمنان بوده و به سبب غیر دولتی بودن و استقلال مالی و تکیه بر نیروهای بومی، برای انجام فعالیت‌های فرهنگی آزاد بوده و محدودیت کمی از سوی دولت نصیب آنان می‌گردد (ازغندی، ۱۳۷۹: ۲۱). حوزه‌های علمیه، مراجع و علما با کمک نذورات، خمس و وجوهات دریافت شده از مردم، به ساخت حسینیه، مسجد، مدرسه‌ی علمیه و

اعزام مبلغ پرداخته و با این اقدام، زمینه گسترش فرهنگ انقلاب اسلامی را فراهم می‌آورند. از این رو، وجود مراجع تقلید حامی نگرش انقلاب در کشورهای مختلف و خیل عظیم مقلدان آنان، زمینه‌ساز صدور انقلاب اسلامی است. مساجد و حسینیه‌های داخل و خارج کشور به‌سان سنگ‌های مقاومی هستند که در اشاعه‌ی تفکرات انقلابی، نقشی ارزنده بر عهده دارند. این مراکز از عمده‌ترین نهادهایی هستند که روحانیون به عنوان نیروهای اصلی و محوری آن، برای رساندن پیام انقلاب به گوش جهانیان از آن بهره می‌برند. مدیریت مساجد و حسینیه‌ها توسط طلاب دینی، این مراکز را تبدیل به کانون کسب معارف دینی و اجتماعی کرده است که به راحتی می‌توان در آن، به ترویج و صدور اندیشه‌های انقلاب پرداخت (جعفریان، ۱۳۸۵: ۲۶۴). شاهد بر ادعا، ساخت صدها مسجد توسط حزب‌الله لبنان، در جهت بسیج نیروها و تقویت و تحکیم نیروهای فرهنگی و رزمی است که زمینه‌ی فرهنگ سازی براساس گفتمان انقلاب اسلامی را فراهم کرده است (نوری، ۱۳۸۹: ۱۳۷).

#### ۲-۴-۵. پاسداشت و بزرگداشت شعائر و مراسمات اسلامی و انقلابی

از جمله اموری که یگانگی هنجاری در جامعه ایجاد کرده و نقشی ارزنده را در مسیر صدور انقلاب ایفا می‌کند، تعظیم شعائر اسلامی و انقلابی است. درباره‌ی اهمیت این مسئله در آیاتی از قرآن آمده است: «وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ؛ و هرکس شعائر (دین) خدا را بزرگ و محترم دارد این از صفت دل‌های باتقواست» (حج/۳۲). این آیه تعظیم شعائر الهی را نشأت گرفته از تقوای درون و صفای جان دانسته که تنها به حج اختصاص نداشته و هر چه که نام خدا و نشان او باشد، جزء شعائر الهی به شمار می‌آید (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۳۸/۸).

امام خمینی (رحمت‌الله علیه) حکمت برپایی نهضت اسلامی را، اقامه‌ی شعائر دینی دانسته و آن را به عنوان ابزاری مؤثر در ترویج و تداوم نهضت اسلامی و مبارزه و سرنگونی حکومت‌های جور و ستم معرفی کرده و معتقد به لزوم افزایش کارآمدی این ابزار در عرصه‌ی نهضت اسلامی بود (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۱۳/۳۲۷). ایشان همواره بر تبیین، حفظ و اشاعه‌ی سنت‌ها و شعائر مذهبی تأکید داشته و از آن برای وحدت و انسجام مردم و تحریک آنان برای قیام و انقلاب بهره می‌برد (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۱/۳۱۳؛ همان: ۱۳/۳۲۸؛ همان: ۲۰۰/۹).

مقام معظم رهبری در خصوص حفظ شعائر الهی تذکر داده و می‌فرماید که: «به هیچ وجه نباید

شعائر را تضعیف کرد. متأسفانه برخی‌ها به اسم دوری از ریا و تظاهر در صدد برچیدن شعائر، علامت‌ها و پرچم‌های اسلام هستند (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با هیأت دولت ۸۴-۸۶). باید توجه کرد که قدرت‌ها و دولت‌های مخالف دین، آرام آرام کار مبارزه با شعائر را به پیش می‌برند. آنان به صورت تدریجی به مبارزه با شعائر دینی می‌پردازند. به عنوان نمونه‌ای از شعائر اسلامی و انقلابی، پیاده‌روی اربعین را می‌توان بیان کرد. این اجتماع انسانی، به مثابه‌ی جنبشی اجتماعی بوده که از وجوه ممتاز مذهبی و پیام‌های عمیق سیاسی است. جمهوری اسلامی این آیین را، نماد هویت و قدرت شیعه دانسته که موجبات اصلاح جامعه و زمینه‌سازی برای ظهور را فراهم می‌کند. از نظر مقام معظم رهبری پیاده‌روی اربعین، میعاد شیعیان در یک کنگره‌ی بین‌المللی و جهانی برای سرزمینی که خودش خاطره‌انگیز بوده و سرزمین شهدا و مزار کشته‌شدگان راه خداست، می‌باشد (بیانات رهبری در مسجد امام حسن مجتبی (علیه السلام)، ۱۳۵۲/۱۲/۲۴). این یک فرصتی در اختیار پیروان اهل بیت (علیهم السلام) و سرشار از مفاهیم عالی و ممتاز است (بیانات رهبری در جلسه درس خارج فقه ۱۳۹۴/۹/۹). پیاده‌روی اربعین یک حرکت نمادین سیاسی و مانور قدرت سیاسی از سوی شیعیان است که در بستر انقلاب پیش می‌رود و از این فرصت برای نشر و صدور انقلاب می‌توان بهره برد (لاریجانی، ۱۳۸۸: ۲۰۰). حوزه‌های علمیه می‌توانند با پشتیبانی معرفتی و علمی از این حرکت عظیم، به گفتماس‌سازی نهضت جهانی اسلامی و صدور پیام انقلاب اسلامی همّت گمارند.

## ۲-۴-۶. استکبارستیزی و نفی سلطه بیگانگان

ظلم‌ستیزی و مبارزه با استکبار، حرکتی معقول و منطقی و با الهام از آیات «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» (فتح/۲۹) و «فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ» (توبه/۱۲) بوده (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۸/۱۲) که از دیگر شاخصه‌ها و کارکردهای حوزه‌های علمیه است. شاهد بر وجود این شاخصه، مشاهده‌ی کارنامه‌ی روحانیونی مانند: میرزای شیرازی در نهضت تحریم تنباکو، آیت‌الله کاشانی در نهضت ملی کردن نفت و قیام پانزده خرداد و وقوع انقلاب ضد استکباری به رهبری امام خمینی (رحمت‌الله علیه) می‌باشد. روحانیت در تمامی این قیام‌ها، مسئولیت رهبری فکری و ایدئولوژیک و نیز، رهبری میدان مبارزه و جهاد را عهده‌دار بوده و پیشکسوت در شهادت بودند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۲۷۵/۲۱). نقش ویژه‌ی روحانیت در نهضت انقلابی ایران قابل انکار نیست (مطهری، ۱۳۸۶:

۱۸۵). این مولفه، مرهون هنر، صداقت و تعهد آنان بوده که مردم آنان را برگزیده (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۲۷۵/۲۱) و به آنان گرایش پیدا کرده‌اند. این شاخصه حوزه‌های علمیه در جهت-گیرها و عملکرد انقلاب اسلامی مشهود است.

### ۳. نتایج

۱. نظریه پخش، توانایی سامان‌دهی و نظام بخشی به رابطه ارزشی حوزه‌های علمیه و انقلاب اسلامی را داشته و بهره‌گیری از این نظریه، یکی از مصادیق تطبیق «نظریه بر مورد» است.

۲. خاستگاه، شکل‌گیری و قوام انقلاب اسلامی، شاخصه‌هایی را در ذات انقلاب اسلامی نهادینه کرده است؛ شامل: «استقلال و آزادی - مردمی بودن - جهان‌شمولی و فراگیری - دفاع از مظلومان و مستضعفان جهان».

۳. به دلیل خاستگاه انقلاب اسلامی و ارتباط عمیق حوزه‌های علمیه و روحانیت با مردم و نقش آنان در شکل‌گیری این انقلاب، گسترش ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی، نیازمند استمرار نقش‌آفرینی حوزه‌های علمیه است.

۴. تداوم این نقش‌آفرینی، در گرو بایدها و الزامات شناختی، رفتاری و ابزاری ویژه‌ای است. چنان‌که این موضوع، به طرح‌ریزی و برنامه‌محوری در سه ساحت مواجهه حوزه با «خود، مردم و بیگانگان» بستگی دارد.

۵. در بُعد درونی حوزه، «آگاهی به مسائل روز، نوآوری و آینده‌نگری» و «تعلیم و تربیت طلاب اندیش‌مند، ولایت‌مدار و مهدوی» ضروری بوده و در ساحت بیرونی، «مردم-گرایی»، «نقش‌آفرینی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی» و «پاسداشت و بزرگداشت شعائر و مراسمات اسلامی و انقلابی» لازم است. چنان‌که «استکبارستیزی و نفی سلطه بیگانگان» باید مورد توجه قرار گیرد.

## فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. اباذری، عبدالرحیم. (۱۳۸۹). تبارنامه‌ی حوزه و روحانیت از صدر اسلام تا پهلوی. قم: انتشارات سلمان فارسی.
۳. ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴). معجم المقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۴. ابن منظور، محمدبن مکرم. (۱۴۱۴). لسان العرب. چاپ سوم، بیروت: دار الصادر.
۵. آرت، هانا. (۱۳۶۱). انقلاب. ترجمه‌ی عزت الله فولادوند، تهران: خوارزمی.
۶. ازغندی، علیرضا. (۱۳۷۹). تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، تهران: سمت.
۷. جعفری تبریزی، محمد تقی. (۱۳۹۸). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۸. جعفریان، رسول. (۱۳۸۵). جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی-سیاسی ایران؛ از روی کار آمدن محمدرضا شاه تا پیروزی انقلاب اسلامی، قم: بی‌نا.
۹. جمشیدی، محمدحسین. (۱۳۷۷). اندیشه‌ی سیاسی شهید رابع سید محمدباقر صدر. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۰. جمعی از نویسندگان. (۱۳۶۵). دائرة المعارف تشیع، تهران: بنیاد فرهنگی طاهر.
۱۱. جوادی آملی، عبد الله. (۱۳۸۶). تفسیر تسنیم، قم: نشر اسراء.
۱۲. حسینی خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۷۵). حوزه و روحانیت در آئینه‌ی رهنمودهای مقام معظم رهبری، ج ۱، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۳. حسینی خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۸۶)، حوزه و مدیریت تحول (سخنرانی آذرماه ۱۳۸۶)، قم: معاونت پژوهشی حوزه‌ی علمیه‌ی قم.
۱۴. دفتر مقام معظم رهبری. (۱۳۷۷)، حدیث ولایت: مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری: از ارتحال تا ربیعین امام خمینی (رحمت‌الله علیه)، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۵. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
۱۶. صاحبی، محمدجواد. (۱۳۶۴). مناسبات دین و فرهنگ در جامعه ایران. چاپ اول، تهران: طبع و نشر.

۱۷. عیوضی، محمد رحیم. (۱۳۹۱). درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران. چاپ نوزدهم، قم: دفتر نشر معارف.
۱۸. فارسون، مسیح؛ مهرداد مشایخی. (۱۳۸۷). فرهنگ سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، ترجمه‌ی معصومه خالقی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۱۹. قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. کاظمی، مهدی؛ شریف‌زاده، فتاح. (۱۳۷۸). مدیریت و فرهنگ سازمانی. چاپ اول، تهران: قومس.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۷۷). الکافی، بیروت: منشورات الفجر.
۲۲. کوزر، لوئیس؛ روزنبرگ، برنارد. (۱۳۹۳). نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
۲۳. لاریجانی، اسماعیل. (۱۳۸۸). انقلاب اسلامی و اولویتهای آن، بی‌نا: خادم الرضا.
۲۴. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار(علیهم السلام)، چاپ دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۵. محمدی، منوچهر. (۱۳۷۴). انقلاب اسلامی ایران در مقایسه با انقلاب فرانسه و روسیه، چاپ دوم، تهران: مؤلف.
۲۶. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷). مجموعه آثار شهید مطهری. تهران: انتشارات صدرا.
۲۷. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۶). آینده‌ی انقلاب اسلامی ایران (مجموعه‌ی سخنرانی و مصاحبه)، قم: صدرا.
۲۸. معین، محمد. (۱۳۸۶). فرهنگ فارسی معین. تهران: زرین (نگارستان کتاب).
۲۹. موسوی خمینی، سید روح الله. (۱۳۶۹)، صحیفه‌ی انقلاب، وصیت‌نامه امام خمینی، سازمان چاپ و انتشارات.
۳۰. موسوی خمینی، سید روح الله. (۱۳۷۸)، صحیفه‌ی امام، تهران: مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی(رحمت‌الله علیه).
۳۱. موسوی خمینی، سید روح الله. (۱۳۷۶). منشور روحانیت (پیام ۱۳/۱۲/۱۳۶۷)، تهران: مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی(رحمت‌الله علیه).
۳۲. نوری، داود. (۱۳۸۹). شیعیان لبنان: وضعیّت سیاسی - اجتماعی پس از انقلاب

- اسلامی، قم: مؤسسه‌ی شیعه شناسی.
۳۳. هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۷۰). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه-ی محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.
۳۴. برزگر، ابراهیم. (۱۳۸۲). نظریه پخش و انقلاب اسلامی. فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره ۵، شماره ۸، صص ۷۳-۳۹.
۳۵. پناهی، محمد حسین. (۱۳۷۹). بررسی زمینه‌ها و اهداف انقلاب اسلامی ایران بر اساس شعارهای انقلاب، فصلنامه‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه علامه، پاییز و زمستان، شماره‌ی ۱۱ و ۱۲، صص ۸۴-۶۳.
۳۶. حسینی، سیدمحمد صادق؛ برزگر، ابراهیم. (۱۳۹۲). نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر عربستان سعودی، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۳، صص ۱۸۸-۱۷۳.
۳۷. طارمی‌راد، حسن. (۱۳۸۹)، مدخل حوزه؛ دانشنامه‌ی جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران: بنیاد دائره المعارف اسلامی.
۳۸. محمود اوغلی، رضا. (۱۳۹۵). انقلاب اسلامی و مولفه‌های تاثیرگذار منطقه‌ای آن، دوفصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال پنج، شماره ۹، صص ۴۵-۶۵.
۳۹. یزدانی، عنایت‌الله؛ آقا حسینی، علیرضا؛ شیخون، احسان. (۱۳۹۱). بررسی ابزارها و شیوه‌های صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران با تأکید براندیشه‌های امام خمینی (ره)، فصلنامه‌ی پژوهش‌های انقلاب اسلامی انجمن علمی انقلاب اسلامی ایران، سال اول، شماره‌ی اول، صص ۲۴۷-۲۷۸.